بررسی مواضع نظامی امام در جنگ در گفت‌وگوی «جوان» با یک پژوهشگر دفاع مقدس

یک پیام امام می‌توانست چهره جنگ را تغییر دهد

■ علیرضا محمدی

دیدگاه و مواضع نظامی حضرت امام خمینی(ره) در دفاع مقدس، موضوعی است که مورد اختلاف صاحبنظران قرار دارد. بالطبع حضرت امام به عنوان رهبری سیاسی که مقبولیت و مشروعیت بسیاری نزد آحاد مختلف مردم داشت، رهنمون‌های کارگشایی در بسیاری از مسائل رخ داده در تاریخ انقلاب نظیر جنگ تحمیلی داشتند، اما اینکه یک رهبر روحانی مثل ایشان تا چه میزان در امور نظامی ورود می‌کردند، بحثی است که سال ۱۳۹۷ مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سعی کرد با انتشار کتاب «بررسی مواضع نظامی امام خمینی(ره) در جنگ ایران و عراق» تا حدی به آن پاسخ دهد. این کتاب که بر اساس رجوع به دیدگاه‌های صاحبنظران نگاشته شده است، دو نویسنده دارد که دکتر رسول افضلی، استاد دانشگاه و از پژوهشگران حوزه دفاع مقدس یکی از آنهاست. گفت‌وگوی ما با دکتر افضلی را پیش‌رو دارید.

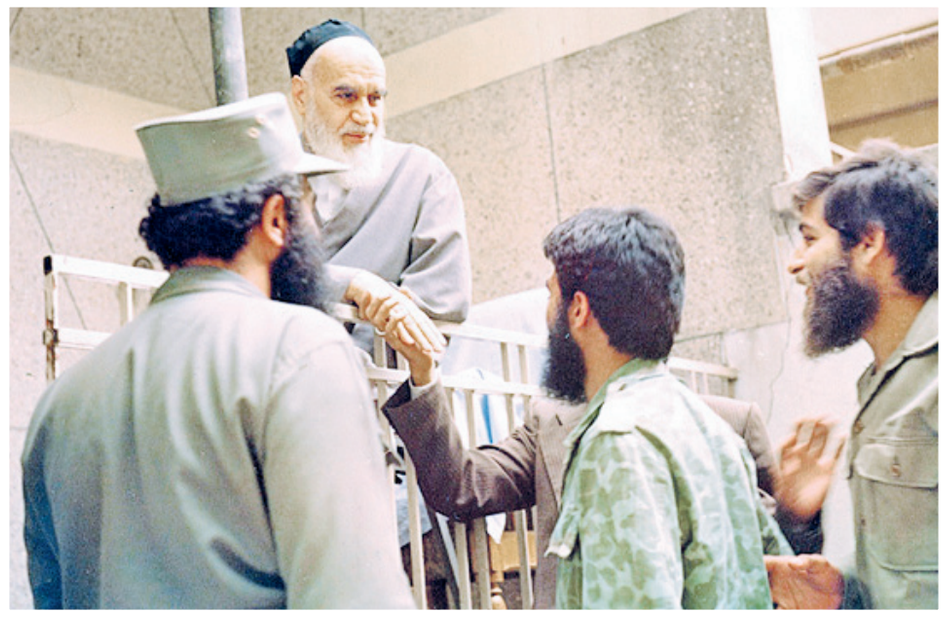

بررسی مواضع نظامی حضرت امام در جنگ موضوع جالب و بکری است. چرا تاکنون به چنین موضوعاتی کمتر پرداخته شده است؟

اینکه چرا به یکسری از موضوعات در حوزه دفاع مقدس کمتر پرداخته می‌شود یک پاسخ روش شناسانه دارد. متأسفانه اغلب تحقیقات و پژوهش‌ها در این خصوص، نظامی شده است، در حالی که دفاع مقدس فراتر از یک حوزه صرفاً نظامی و یک پدیده اجتماعی، سیاسی و حتی فرهنگی است. من استاد دانشگاه هستم. در این ۱۰ سال اخیر شاید یکی دو دانشگاه رغبت کرده‌اند به دنبال موضوعات جنگ تحمیلی بروند و کار کنند. علتش این است که هیچ حوزه کاری در این زمینه از طرف سازمان‌های نظامی تعریف نشده است. ما اغلب کتاب‌ها و پژوهش‌ها را به مسائل سخت افزاری جنگ اختصاص داده‌ایم. عمدتاً نهادها و سازمان‌های نظامی هم متولی کار در خصوص دفاع مقدس هستند. اگر بخواهیم ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جنگ را مورد بررسی قرار دهیم مستلزم این است که آن را از حوزه صرف نظامی خارج کنیم و به بقیه ابعادش بپردازیم تا ببینیم چه تأثیرات فرهنگی و اجتماعی داشته و آن وقت است که تبدیل به یک بحث آکادمیک و دانشگاهی می‌شود. در این صورت موضوعاتی مثل نقش امام در دفاع مقدس (چه در بعد نظرات نظامی ایشان یا دیگر ابعاد) بیشتر باز می‌شود و پژوهشگران خود به خود به چنین موضوعاتی ورود و روی آنها تحقیق می‌کنند.

چه چیزی باعث جذب خود شما به موضوع کتاب شد؟

دیدگاه‌های نظامی امام در جنگ یک موضوع چالشی بود که به‌شخصه علاقه داشتم به آن ورود کنم. همین چالشی بودن موضوع باعث شد در روند تهیه و نگارش کتاب با مشکلات بسیاری روبه‌رو شویم. چون خود مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس کارفرما بود و یک ناظر برای ما انتخاب کرد که همین ناظر دیدگاهش با خود ما فرق می‌کرد. این موضوع را طرح کردم تا عرض کنم نگاه‌های متفاوت در این مسئله گاه به تضاد می‌رسد. برخی صاحبنظران اعتقاد دارند حضرت امام در خصوص جنگ به یکسری کلیات بسنده و آن کلیات را هم با مشورت دیگران مطرح می‌کردند. در مقابل یک عده هم معتقد هستند که امام نه تنها از سطح کلیات و استراتژی فراتر می‌روند که حتی ایشان در تاکتیک‌های نظامی هم نظر می‌دادند. مثال‌هایی را هم در این خصوص ذکر می‌کنند که مثلاً در یکی از عملیات‌ها تعدادی از رزمنده‌ها در یک منطقه به محاصره در می‌آیند از آنجا با امام تماس می‌گیرند و امام به نوعی مداخله می‌کنند و دستور می‌دهند مقاومت را ادامه دهند و آن مقاومت منشأ پیروزی در عملیات بعدی می‌شود.

در میان این دو دیدگاه متفاوت، خود شما به چه نتیجه‌ای رسیدید؟

من به این نتیجه رسیدم کسانی که معتقد هستند امام نقش حداقلی داشتند اینطور نیست. امام در تصمیمات کلان جنگ ورود می‌کردند و حتی در برخی مواقع در سطح استراتژی‌های نظامی جنگ نظر می‌دادند. در این کتاب بزنگاه‌های اصلی جنگ را مورد بررسی قرار داده و نشان دادیم که امام در برخی مسائل چطور ورود یا مداخله می‌کردند و به چه شکلی نظرات ایشان اثرگذار بود. در واقع حضرت امام هوشمندانه مسائل را می‌دیدند و به فراخور حال آن موضوع یا مسئله دخالت می‌کردند و این مداخلات هم کارساز و حیاتی بودند. کار ما یک کار اسنادی بود. در واقع با بررسی اسناد و منابع معتبر و گفت‌وگو با صاحبنظران سعی کردیم در این خصوص تحقیق کنیم. در خود نام کتاب هم آمده است که مواضع نظامی امام از دیدگاه صاحبنظران داخلی بررسی شده است. برای نگارش کتاب با خیلی از فرماندهان نظامی جنگ نظیر آقایان محسن رضایی، رحیم صفوی، شمخانی، غلامعلی رشید و حتی چهره‌های سیاسی مثل مرحوم هاشمی رفسنجانی، دکتر ولایتی و... صحبت‌هایی شد و جمع‌بندی‌ها به این نتیجه رسید که ورود امام به مسائل نظامی جنگ فراتر از یکسری دیدگاه‌ها و نظرات کلی بود. نکته‌ای را جالب است از شهید حاج قاسم سلیمانی بیان کنم. ما در بررسی‌هایمان به نوشته‌ها و سخنان فرماندهان جنگ هم می‌پرداختیم. یکی از این نوشته‌ها که خیلی هم بلند نبود، مربوط به حاج قاسم می‌شد. ایشان در نوشته‌شان کاملاً به این موضوع صحه گذاشته بودند که ما در مسئله جنگ کاملاً تابع نظرات حضرت امام بودیم و مثلاً در فلان عملیات نظرات امام راهگشای کار بود و مسیر پیروزی‌های بعدی را هموار کرد. گفت‌وگو با دیگر فرماندهان لشکر در دوران دفاع مقدس مثل دکتر قالیباف هم این مسئله را تأیید می‌کرد.

> من به این نتیجه رسیدم کسانی که معتقد هستند امام نقش حداقلی داشتند اینطور نیست. امام در تصمیمات کلان جنگ ورود می‌کردند و حتی در برخی مواقع در سطح استراتژی‌های نظامی جنگ نظر می‌دادند

اگر می‌شود به موارد مصداقی بپردازیم، چه وقایعی در دفاع مقدس بودند که امام مستقیم به آنها ورود کردند و به بیان مواضع نظامی پرداختند؟

یک مورد برمی‌گردد به مقطع آزادسازی خرمشهر و ادامه جنگ پس از این واقعه. بعد از اتمام عملیات الی‌بیت‌المقدس، فرماندهان نظامی به اتفاق سیاسیونی مثل مرحوم هاشمی خدمت حضرت امام می‌رسند و عنوان می‌کنند که توانستیم دشمن را از بخش اعظم مناطق اشغالی کشورمان بیرون برانیم. در این جلسات نظرات متفاوتی وجود داشت. عده‌ای به تداوم و عده‌ای به تمام شدن جنگ طبق شرایطی معتقد بودند. نهایتاً این حضرت امام بودند که طبق مشاوره‌هایی که گرفتند، دستور دادند جنگ ادامه پیدا کند اما با دو شرط. ایشان گفتند اگر خواستید کار را ادامه بدهید، باید تا نابودی صدام پیش بروید. اگر نه که اصلاً ادامه ندهید. یک موضوع را هم دستور امام برای ورود نشدن به مناطق غیر نظامی نظیر شهرهایی مثل بصره بود که ایشان بیم آن داشتند مردم عادی صدمه ببینند و مردم عامه عراق رو در روی رزمنده‌ها قرار بگیرند. قضیه تداوم جنگ بعد از فتح خرمشهر از مواردی است که حضرت امام استراتژی نظامی جنگ را مشخص می‌کنند. همین مسئله عدم ورود یا عملیات در مناطق غیر نظامی مسئله مهمی است که شکل و استراتژی عملیات بعدی را مشخص می‌کند. یک مورد مصداقی مشهور دیگر هم مسئله پایان جنگ است. پس از اتفاقات پایان جنگ و مسئله نامه فرمانده وقت سپاه به امام مبنی بر نبودن بودجه، امکانات، تسلیحات لازم و... نهایتاً حضرت امام تصمیم خردمندانه و مستقلی برای پذیرش قطعنامه و خاتمه جنگ می‌گیرند.

این دو مورد که شما ذکر کردید، جزو مسائل عمده و کلی جنگ بودند. یکی تداوم آن بعد از اخراج دشمن از خاک‌مان و دیگری هم در مورد اتمام جنگ. در موارد جزئی‌تر هم امام به طرح مواضع نظامی می‌پرداختند؟

موارد جزئی‌تر هم وجود دارد. یک موردش دستور امام برای بیشتر شدن نقش سپاه در جنگ است. امام دریافته بودند کلید موفقیت و ایستادگی ما علیه دشمنی که از لحاظ تجهیزات بر ما برتری دارد، نقش و حضور مردم است. سپاه هم که شاکله‌اش را نیروهای انقلابی و مردمی تشکیل می‌دادند باید فرصت و مجال بیشتری برای دفاع در مقابل دشمن پیدا می‌کرد. بر همین اساس ایشان در سال ۶۴ فرمان تشکیل نیروهای سه گانه سپاه را صادر می‌کنند. آقای قالیباف می‌گوید این فرمان امام باعث تحول بسیاری در توان نظامی سپاه و نهایتاً چگونگی برخورد با دشمن در تداوم جنگ شد. یا در موضوع برخی اختلاف‌نظرهایی که بین سپاه و ارتش پیش آمده بود، امام حد عمل هر دو نیرو را مشخص می‌کنند. طبق نظر ایشان، قرار می‌شود سپاه در جنوب و ارتش در غرب حضور داشته باشد. یا عملیات ترکیبی هم از دیگر نظرات نظامی امام بود که حتی پس از سال ۶۳ که قرار می‌شود سپاه و ارتش جداگانه عملیات کنند، طبق نظر ایشان هر کدام از این دو نیرو (سپاه و ارتش) که می‌خواستند عملیاتی انجام بدهند، از توان و استعداد نیروی دیگر استفاده می‌کردند. یا در بحث سپردن فرماندهی جنگ به آقای هاشمی و اختیاراتی که امام به حضرت آقا در جنگ می‌دهند و... همگی مواردی هستند که امام با دوراندیشی‌شان به طرح مواضع نظامی‌شان در جنگ پرداختند.

مخاطبان حضرت امام در موضوع جنگ صرفاً نظامی‌ها نبودند، ایشان در بسیاری از مواقع مردم عادی را هم مخاطب قرار می‌دادند و پیام‌هایی صادر می‌کردند که در جبهه‌ها تأثیرگذار بودند.

بله، همین طور است. برهمین اساس ما در کتاب نقش امام در دفاع مقدس را به دو بخش کلی تقسیم کردیم. یکی وجهه کاریزمایی ایشان است که گاه امام با دادن یک پیام اقدام به تهییج جامعه و مردم در جهت تقویت جبهه‌ها می‌کردند. پیام‌های ایشان نه تنها در داخل کشور که حتی روی دشمن هم اثرگذار بودند. ایشان در برخی مواقع حتی با یک جمله یا با یک پیام روند کلی جنگ را تحت تأثیر قرار می‌دادند. من کل صحیفه نور امام در مقطع زمانی هشت سال جنگ را مورد بررسی قرار دادم. دیدم پیام‌های ایشان کاملاً منطبق با تحولات اجتماعی است. مثلاً ایشان می‌بینند در یک دوره‌ای جامعه نسبت به یک موضوع یا مسئله جنگ بدبین شده است، پیام‌های‌شان را طبق همان موضوع صادر می‌کردند یا حتی در کمیت پیام‌ها سعی می‌کردند شرایط روحی جامعه را مدنظر داشته باشند. مثلاً در سال ۶۷ که جنگ در همان سال تمام شد، ایشان از ابتدای سال تا پایان دفاع مقدس حدود ۱۰ پیام در مورد جنگ صادر کردند که نشان می‌دهد تحولات اجتماعی پایان جنگ را مدنظر داشتند. به هر روی برخی پیام‌های ایشان خطاب به مردم عادی نظیر آنچه در روزهای پس از پذیرش قطعنامه و حمله مجدد دشمن شاهد بودیم، چهره جنگ را به شکل کلی تغییر داد. مردم در روزهای آخر جنگ با فرمان امام به جبهه‌ها آمدند و جنگ با بیرون راندن دشمن و عملیات پیروزمند مرصاد به اتمام رسید.

خاطره

خاطره‌ای از رویارویی با ضد انقلاب از زبان یک رزمنده

دسته‌ای که بر گردان دشمن پیروز شد

■ وحید حق‌رضایی

متن زیر خاطره‌ای از رزمنده ابراهیم احمدی در خصوص همرزمش حاج محمد صفری است که برای صفحه ایثار و مقاومت روزنامه «جوان» ارسال کرده است.

■ **۱۰ برابر بیشتر**

زمان جنگ من در یک گروه ضربت به فرماندهی شهید حاج محمد صفری بودم. یک روز خبر رسید حدود ۱۵۰ نفر از نیروهای دموکرات در روستای «شهینان» مستقر شده‌اند. شهینان روستایی است که در دره نجنه قرار گرفته و جزو آخرین روستاهای منطقه‌ای بود که ما باید از آن حراست می‌کردیم. اخبار آن روز حکایت داشت که نیروهای حزب منحله دموکرات شاخه بیان شهر بوکان در شهینان هستند و ما باید با نیرویی که ۱۰ برابر بیشتر از خودمان است روبه‌رو شویم. با استتار کامل و بدون اینکه توجه کسی را جلب کنیم، به نزدیکی روستا رسیدیم. اخبار واصله حاکی از آن بود که نیروها در مسجد روستا متمرکز شده‌اند و از دور دیدیم که نگهبانی جلو در مسجد کنار درختی در حالی که نشسته است، سیگار می‌کشد. بیشتر که دقیق شدیم، متوجه شدیم اسلحه‌اش را به شاخه درختان آویزان کرده و خیلی عمیق در حال دود کردن سیگار است. تصمیم گرفتیم تا نزدیک مسجد نرسیدیم خودمان را آفتابی نکنیم. فاصله‌ای که ما تا مسجد داشتیم، یک دشت صاف و فاقد هرگونه مانع طبیعی، تپه و ناهمواری بود.

■ **فاصله ۳۰۰ متری**

مدتی صبر کردیم، راهی به نظرمان نرسید، باید از فاصله ۳۰۰ متری به طرف مسجد می‌رفتیم و حتماً نگهبان هم ما را می‌دید و متوجه می‌شد. فرمانده‌مان حاج محمد صفری گفت بچه‌ها لباس ما کردی و لباس آنها هم کردی است، اگر بدون جلب توجه و هرگونه حرکت اضافی راه بیفتیم، احتمال دارد نگهبان فکر کند ما از نیروهای آنها هستیم و عکس‌العملی نشان ندهد. فکر خوبی بود، ولی خالی از خطر نبود. ارزش امتحان کردن را داشت، شهید حاج محمد این طور مقرر کرد که افراد با فاصله، بعد از او به راه بیفتند، خیلی عادی و بدون هیچ ترسی به راه افتاد و ما هم به دنبالش راه افتادیم. کمی که نزدیک شدیم، دیدیم نگهبان همچنان به سیگارش پک می‌زند و عین خیالش نیست. باز هم نزدیک‌تر شدیم. نگهبان در عالم خودش بود و اصلاً به ما توجهی نمی‌کرد. به حتم فکر کرده بود ما از نیروهای خودشان هستیم که کاری انجام نمی‌داد. به نزدیکی نگهبان که رسیدیم، شهید حاج محمد سلام کرد، دیدیم در عالم دیگری است و اصلاً متوجه ما نشده است. حاج محمد کمی بلندتر سلام کرد و نگهبان که تازه متوجه حضور ما شده بود، جواب سلام را داد و بدون اینکه بپرسد شما کی هستید و از کجا آمده‌اید، گفت نیروها داخل مسجد هستند، پیش آنها بروید! دیدیم طرف اصلاً در باغ نیست، با قنداق تفنگ زدیم پس کله‌اش و بیهوش بر زمین افتاد. خنده‌مان گرفته بود. این همه سعی کردیم استتار کنیم و پوشش انجام دهیم ولی نگهبان اصلاً در باغ نبود.

> حواس‌مان نبود یک نگهبان دیگر بالای مسجد است. از آنجا ما را دید و سریع گلنگدن کشید و به طرف‌مان شلیک کرد. بچه‌ها سنگر گرفتند. شهید صفری گفت بچه‌ها تعداد آنها خیلی بیشتر از ماست، نباید امان‌شان بدهیم

■ **فرار ضد انقلاب**

حواس‌مان نبود یک نگهبان دیگر بالای مسجد است. از آنجا ما را دید و سریع گلنگدن کشید و به طرف‌مان شلیک کرد. بچه‌ها سنگر گرفتند. شهید صفری گفت بچه‌ها تعداد آنها خیلی بیشتر از ماست، نباید امان‌شان بدهیم. همگی با هم به طرف محل اجتماع ضدانقلاب تیراندازی کنید. بلند شدیم و هماهنگ رو به محل استقرار نیروهای ضدانقلاب شروع به تیراندازی کردیم، ناگهان قیامتی از گلوله و رگبار به پا شد. تمام نیروهای داخل مسجد از ترس، گروه گروه خارج شدند و به طرف تپه بالای روستا شروع به دویدن کردند. چون در محل دید ما بودند، همگی آتش رگبار خود را به طرف آن نقطه متمرکز کردیم، از آن جمعیت ۱۵۰ نفری کسی داخل مسجد و روستا باقی نماند، هر کدام از نیروهای ضدانقلاب با آنچه در توان داشتند، فرار کردند و به دنبال جان پناه به طرف تپه بالای روستا گریختند.

■ **نصرت الهی**

بعد از فرار ضد انقلاب، شهید صفری گفت سریع دست و پای نگهبان را ببندیم و از همان راهی که آمده‌ایم برگردیم. دست به کار شدیم و در یک چشم برهم زدن، دست و پای نگهبان را که بیهوش شده بود، بستیم و او را به دوش یکی از نیروها انداختیم و به سرعت از روستا خارج شدیم. بعدها برای هر کس تعریف می‌کردیم چطور با یک گروه ۱۵ نفری حدود ۱۵۰ نفر از نیروهای دشمن را فراری دادیم، تعجب می‌کردند اما این پیروزی تنها از لطف و کرم خدا و نصرت الهی بود.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۰۳۱

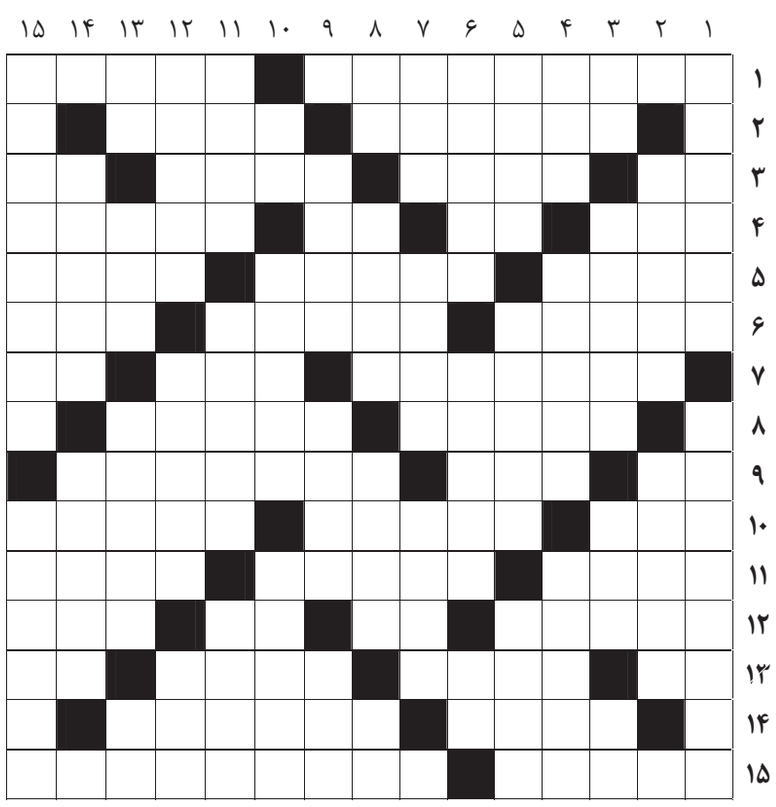

از راست به چپ

■ ۱- بیولوژی- دارای اندازه متوسط ■ ۲- بی نظمی ضربان قلب- بخیه ■ ۳- مرغ می‌رود- نوعی پوشش آلومینیومی- موجودیت- قلم خارجی ■ ۴- مرجان- کدوی تنبل- نمایش تلویزیونی- ماه فرنگی ■ ۵- آحاد- محله سیاهان نیویورک- از اسامی بانوان ■ ۶- دروغ- هراسه- وسیله دست داور ■ ۷- عنوانی برای فوتبالیست گلزن- نژاد قشقایی- پرنده مظهر وفاداری ■ ۸- شهری در استان کرمانشاه- نیست‌ونابود ■ ۹- رئیس جیمزباند- فیلم هیچکاک- مقدار پول در جریان یک کشور ■ ۱۰- مکر و حیله- پدرش بسوزد- قادر ■ ۱۱- بلندپایه‌تر- کبوتر خانگی- بزرگ ■ ۱۲- مسافت کم- عنصر شیمیایی- تکرار حرفی- پول کاغذی ■ ۱۳- گشوده- بلندترین آبشار دنیا- فدراسیون جهانی شنا- ارجمندی ■ ۱۴- گردهمایی- شعبه‌شعبه شدن ■ ۱۵- خالق کتاب بوزینه‌های پشم‌آلو- بیماری مسری کودکان

از بالا به پایین

■ ۱- از مفیدترین و پرکاربردترین ادویه‌جات- بیماری توهم ■ ۲- ماهی خوش گوشت- نویسنده و کاتب ■ ۳- پسوند شباهت- حاشیه، کناره- هیئت اعزامی- حرفی سوار بر خودش ■ ۴- کشک سیاه- نگهبان کشتزار- خوشگذرانی ■ ۵- رسا و بلیغ- نام ماندلا- لغو؛ فسخ ■ ۶- فرزند نوه- شاعر اهل مراغه- هواپیمای سریع ■ ۷- شهر هزار سنگر- متضاد یأس- کتاب روسو ■ ۸- تصدیق ایتالیایی- زن شلخته- درختی با چوب صنعتی- مایه حیات ■ ۹- خنک کننده اتاق- کسی که در جایی اقامت دارد- مادهٔ جامد، متبلور و سمّی در صنایع داروشناسی و پلاستیک و تهیهٔ رنگ‌ها کاربرد دارد ■ ۱۰- ضمیر انگلیسی- با استعداد- همواره ■ ۱۱- جمجمه نرم نوزاد- اعتبار بانکی- در ناز و نعمت ■ ۱۲- رود آبی اروپا- از گیل شمالی‌ها- رود بزرگ سوئیس ■ ۱۳- پهلوان- سیل وارونه- معادل یک‌میلیون تن ■ ۱۴- قرارگاه همیشگی- چشمه ■ ۱۵- استاد فرشچیان از مفاخر کشورمان در این نوع از هنر نقاشی است- چاه جهنده

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۷		۴						
		۶				۲	۱	۴
			۵		۸			
	۱			۸	۷			
						۳	۸	
۳	۵			۱				
۴		۲					۳	
						۱	۹	۷
			۹		۵			

جدول کلمات متقاطع
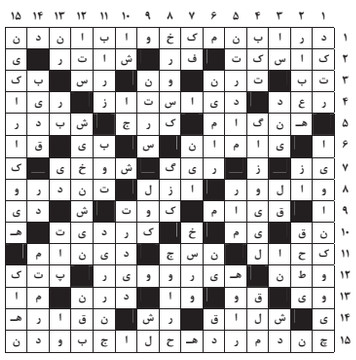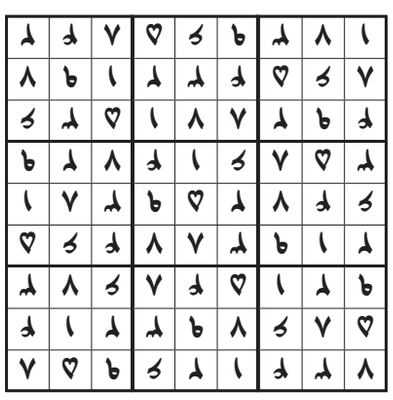
پاسخ جدول شماره ۶۰۳۰